
چرا

حکومت مصدق

www.tabarestan.info

نفت به کشورهای

سوسیالیستی

فروخت؟

حزب توده ایران - واحد آبادان

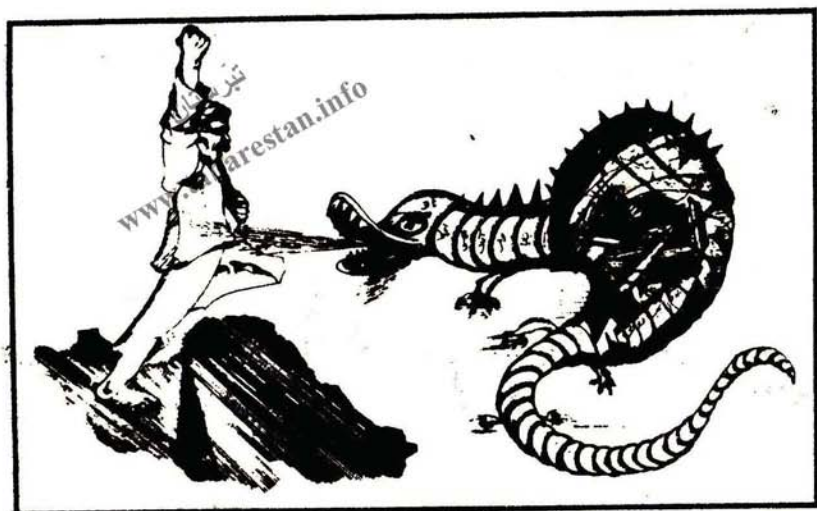
ادامه صدور نفت خام ادامه وابستگی است

تبرستان
www.tabarestan.ir



تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی سازمان همکاری اقتصادی باید لغو
شود





مرگ بر امپریالیسم امریکا
دشمن اصلی خلق های جهان!

مبارزه مردم ایران علیه امپریالیسم، سرگردگی امپریالیسم آمریکا، درباره تعظیم استقلال ملی وارد مرحله حساسی میشود. در این مرحله باید همه وابستگیهای نظامی، اقتصادی و فرهنگی را ریشه کن کرد و راههای سالم دوران وابستگی، برای تأمین تکامل هرچه سریعتر اقتصاد ملی ایران را جستجو کرد، وگرنه کشور همچنان عقبمانده خواهد ماند و به ملت عقب ماندگی، خواه ناخواه قدرت مقابل با فشارهای روزافزون امپریالیسم راز دست خواهد داد.

معامله بازرگان امپریالیسم و درواس آنها امپریالیستهای آمریکایی به این حقیقت واقفند و لذا میکوشند که کشور ما را از هر طرف محاصره و اقتصاد ملی ما را خفه کنند. یک طرف این محاصره، که مربوط به عملیاتهای ایران با اتصالات بزرگ امپریالیستی و کشورهای سرمایه داری است، بیشتر دست خود امپریالیستها است. آنها میتوانند دستور دهند که از طرف این کشورها معامله با ایران انجام نشود، اموال ایران در آن کشورها توقیف شود، در مناسبات اقتصادی ایران با کشورهای سرمایه داری اختلال شود و غیره. اما طرف دیگر که عبارت است از مناسبات اقتصادی ایران با کشورهای سوسیالیستی و سایر کشورهای خارج از حیطه نفوذ امپریالیسم، دیگر در اختیار معامله امپریالیستی نیست و اگر آرزوی باز باشد، محاصره اقتصادی ایران کاملاً بی نتیجه خواهد بود.

باتوجه به این واقعیت، معامله امپریالیستی میکوشند این راه را که باز است پاتپدید، شانناز، دروغ، جنگ سرد و انواع دسایس کثیف از این نوع ببندند، میان ایران و کشورهای آزاد از نفوذ امپریالیسم و پیوسته کشورهای سوسیالیستی محیط ناپاوری ایجاد کنند و چو ضد کمونیستی را در داخل کشور چنان دامن زنند که مناسبات ایران با این کشورها مختل گردد و محاصره اقتصادی که مورد نظر آنهاست، کامل شود.

از جمله دسایس پلیتی که معامله امپریالیستی و ارتجاعی برای پیشبرد هدفهای خویش مورد استفاده قرار میدهند، تعریف تاریخ مناسبات ایران با کشورهای سوسیالیستی و ضد امپریالیستی چنان است. آنان میکوشند چنین وانمود سازند که گویا در زمان حکومت مصلح کشورهای سوسیالیستی حاضر به خرید نفت و همکاری اقتصادی با ایران نشدند. متأسفانه معامله ساز و کار داخلی نیز در این امر به معامله امپریالیستی کمک میکنند و گناه خود را - که جرات نکردند بدون اجازه امپریالیسم آمریکا نفت ایران را بفرروشند - به گردن کشورهای سوسیالیستی میگذارند.

ما دوزیر بخش کوچکی از جزوهای را که پیرامون حقایق تاریخی دوران ملی شدن نفت دوست تهیه است، چاپ میکنیم. در این بخش علل واقعی عدم فروش نفت به کشورهای سوسیالیستی بررسی شده است.

جریان تلاش کشورهای سوسیالیستی برای خرید نفت ایران و مخالفت معامله امپریالیستی با این امر - که در نتیجه دولت صحت نفت فزاد آن حاضر به فروش نفت نقد بدین قرار است :

اصل ملی شدن نفت، که در ۲۴ اسفند ۲۹ در مجلس شورای ملی روز ۲۹ اسفند در مجلس سنا، به تصویب رسید، یک اصل کلی بود و چگونگی ملی شدن صنایع نفت را مشخص نمیکرد. به این دلیل کمیسیون مخصوص نفت بریاست صحت قانون تویب اجرای ملی شدن صنعت نفت و امرکب از ماه دسومین کرد، که صحت تصویب آرا شرط نصبت وزیر خود قرار داد. این ۹ ماهه در نیمه اردیبهشت ۱۳۳۰ به تصویب مجلس رسید. ماده هشم این قانون تصریح میکند که مشتریان سابق شرکت نفت انگلیس هر مقدار نفتی را که طی سال قبل از ملی شدن از آن شرکت خریداری کرده اند، میتوانند از این بیدم خریداری کنند و برای فزاد آن مقادیر، در صورت تساوی شرایط، در خرید حق تقدم خواهند داشت. (۱)

صحت با این ماده قانونی دست خود را در انتخاب مشتری بسته بود. موافق این ماده اعداد حدودی حق خرید نفت داشت و از میان کشورهای های سوسیالیستی اروپای شرقی هم فقط چکسلواکی و لهستان، که از مشتریان سابق شرکت نفت انگلیس بودند، میتوانند تقاضای خرید کنند.

هر دو کشور، هم لهستان و هم چکسلواکی، به موازات به مقامات مسئول دولت ایران مراجعه

کردند و آمادگی خود را برای خرید نفت و استفاده از این ماده قانونی اعلام داشتند. آنها اطلاع دادند که آمادگی حلقه مقدار نفت را که قابل از ملی شدن از طرف شرکت سابق می خریدند، مستقیماً از ایران بخرند و آمادگی که از حق تقدم خود برای خرید مقادیر بیشتر نفت استفاده کنند.

دولت صحت مدتها درباره دریافت پیشنهاد از طرف کشورهای سوسیالیستی خلقت سکوت کرد. در شهریورماه ۱۳۳۰ سخنگوی رسمی دولت (دکتر فطمی) در برابر این سؤال: «اگر دولت لهستان و یا هر دولت شرقی دیگر تقاضای خرید نفت کند خواهد فروخت یا نه» سکوت کرد. (۲)

این مقام رسمی نگاه بدو، در حاحجه دیگری گفت:

«درباره فروش نفت به لهستان هنوز کمیستی افغان نشده است.» (۳)

سه ماه بعد سخنگوی دولت صحت سرانجام تأکید کرد که:

«کاردار سفارت چکسلواکی با آقای بییریا معاون وزارت دارایی ملاقات کرد و راجع به قرارداد خرید و فروش نفت ایران بدولت چکسلواکی مذاکرات لازم بعمل آورد.

کاردار سفارت چکسلواکی اظهار داشت که دولت چکسلواکی از خریداران سابق

- ۱- اسفند ۱۳۳۰
- ۲- پانزدهم آذرماه ۲ شهریور ۱۳۳۰
- ۳- پانزدهم آذرماه ۲۰ شهریور ۱۳۳۰

فوت میباشد. قرار شد برای عقد قرارداد بین دو دولت برای فروش نفت هرچه زودتر حیثی از طرف دولت چکسلاواکی وارد تهران شود (۴)

سفارتگوی سفارت چکسلاواکی در موضوع موضع دولت متبوع خود به خبرنگار بهایختر امروزه گفت:

پیشنهاد دولت چکسلاواکی برای خرید نفت از ایران چندماه قبل به ایران تسلیم شده است. (۵)

سفارتگوی سفارت چکسلاواکی گفت که خود دولت چکسلاواکی کلیه تعهدات حمل و نقل را عهدهدار خواهد شد و از این بابت از تعهدات شرکت سابق ابتدا نگرانی بخود راه نخواهد داد. (۶)

دولت چکسلاواکی از آنهم نیز تقاضای خود را بارها تجدید کرد، ولی جوابی نشنید. علاوه بر چکسلاواکی، لهستان نیز از مشتریان سابق شرکت نفت و اولین دولتی بود که تقاضای خرید نفت به دولت ایران داد. دولت لهستان ماهها صبر کرد و بالاخره در ۱۱ دیماه ۱۳۳۰، سفارت لهستان در تهران رسماً گله کرد که تقاضای دولت متبوع او تریب اثر داده نمی شود. وزیر مختار لهستان در تهران تقاضای دولت خود را تکرار کرد و دواول مرداد ۱۳۳۱ بازم در وزارت اقتصاد ملی حضور یافت و با دکتر مطمخ، سرپرست وزارت اقتصاد ملی دولت مصدق ملاقات و مذاکره کرد و تأیید نمود که از لحاظ نفت کمتر بیمه و غیره اشکالی در میان نیست. ولی بازم به تقاضای او تریب اثر داده نشد (۷) چند ماه بعد نام دکتر مطمخ در فهرست کسانی که قصد کودتا علیه دولت مصدق را داشتند، بیرون آمد.

فواد روحانی، که در زمان حکومت مصدق، از همان آغاز دست اندرکار مسائل نفت بود و از طرف مصدق بارها به مأموریت رفت و پس از گذراندن ۲۸ مرداد مقام حساسی در شرکت ملی نفت ایران پیدا کرد و به این دلیل از افراد مطلع است، درباره پیشنهادهای کشورهای سوسیالیستی مینویسد:

پیشنهادهایی هم از طرف دولت های بعضی مسالک اروپای شرقی یعنی لهستان و چکسلاواکی و مجارستان رسیده بود که در مورد آنها به دیدن کالیبا تأیید نداشت و پیشنهاد دهندگان اظهار کرده بودند که وسیله حمل و نقل را خود فراهم خواهند کرد. با اینحال نسبت به این پیشنهادها دولت ایران دست بست میگرد...

در تاریخ ۱۱ دیماه، دولت لهستان از ایران گله کرد که تریب اثری به پیشنهادش نداده است.

- ۱- باختر امروز ۴ دیماه ۱۳۳۰
- ۲- باختر امروز ۴ دیماه ۱۳۳۰
- ۳- باختر امروز ۴ دیماه ۱۳۳۰
- ۴- آخرین ایرد (سوی آینه) اول

در اوایل صحن ماه جراید آمریکا با اشاره به قرارداد بزرگانی که دولت ایران با مجارستان منعقد نموده. و در آن نفت را بعنوان کالای احتیاجی صادراتی قید کرده بود، نوشتند که از قرار معلوم قصد دولت ایران به انجام معاملات نفتی با کشورهای پشت پرده آلمانی جدی است. ولی اضافه کردند که دولت مجارستان به علت نداشتن نفتکش صلا نمیتواند از ایران نفت بخرد. (۸)

کشورهای سوسیالیستی بطور رسمی تأکید میکردند که وسایل حمل و نقل را خودشان تهیه خواهند کرد. اما جراید آمریکا مینوشتند که آنها نفتکش ندارند! صدای آمریکا نوشتن جراید آمریکا را میخواند و روزنامه های مزدور آمریکا در تهران آنرا تکرار میکردند، ظلمت اصلی هم فروش نفت به کشورهای سوسیالیستی پوشیده باشد.

در سال ۱۳۳۱، زمانیکه دولت مصدق به پیشنهادهای مکرر و تنظیم دولت های سوسیالیستی درباره خرید نفت جواب سریلا میداد و امروز و فردا میکرد، دولت لهستان متوجه امکان غیره مستقیم شد که برای خرید نفت ایران بپذیرد آمده بود. این دولت بلافاصله اقدام کرد، اما محافل آمریالیستی این امکان را نیز از میان بردند.

توضیح اینکه، محافل اقتصادی ایتالیایی به خرید نفت ایران ابراز علاقه میکردند و حاضر به معامله بودند، اما دولت ایتالیا نیز ورود نفت ایران به داخل خاک ایتالیا جلوگیری میکرد. در نتیجه نفتی که ایتالیایی ها موفق میشدند از ایران خریداری کنند، در بنادر ایتالیا انبار میشد و بازاری برای فروش نداشت. این دشواری به خصوص برای شرکت سوپر Supor ایتالیایی پیش آمد. این شرکت امیدوار بود که نفت ایران را در ایتالیا و یا برخی دیگر از کشورهای اروپایی بفروشد. نخستین گشتی این شرکت بنام میریلا (Mirilla) دوازدهم بهمن ۱۳۳۱، ۵۰۰۰ تن نفت از ایران به مقصد ایتالیا بارگیری کرد و سپس چند گشتی دیگر ایتالیایی مقادیری نفت به ایتالیا حمل کردند. اما این نفت در بندر ماند. دولت ایتالیا پروانه ورود نفت ایران را به داخل ایتالیا صادر نکرد.

در مورد محاملاتی که با خریداران ایتالیایی صورت گرفت، هر چند آنگاه همی ایتالیا رای به نفع شرکت سابق صادر نموده، ولی دولت ایتالیا خود را ناچار میدید که بانظر دولت انگلستان مخالفت نکند. و بهین علت برای ورود نفت ایران به ایتالیا بروانه صادر نمیکرد. (۹)

- ۱- فواد روحانی، تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، چاپ تهران، ۱۳۳۲، ص ۲۹۸ (تکیه از صحت)
- ۲- تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، ص ۵۰۱

دولت‌های سوسیالیستی که متوجه دشواری فروش نفت ایران در ایتالیا بودند و میدانستند که این نفت در پندرگام میانه با شرکت سوپر وارد مذاکره شدند که شاید این شرکت متصرف دولتی ایران را به آنها بفروشد. خرید مذاکرات میان لیبستان و شرکت سوپر در مطبوعات ایران انتشار یافت. باختر امروز به نقل از خبرگزاری یوگسلاوی نوشت:

بین ایتالیا و ایرا دو لیستان قرارداد نفت بسته شده است. نفت میریلا هر از صلیبه به لیستان برده خواهد شد (۱۰) ستاسفانه تلاش کشورهای سوسیالیستی که نفت ایران را لاق از دست دوم و بطور غیر-ستقیم خریداری کنند، با شکست مواجه شد. شرکت سوپر ظاهراً مخالفتی نداشت که نفت ابار شده در بندر را به لیستان بفروشد ولی دستیاری قوی تر انحصارات امریالیستی نفت و دولتهای امریالیستی جلواقیام معامله را گرفت. باوجود اینکه ملاحظه می‌شود که کشورهای سوسیالیستی برای خرید نفت ایران داشتند و بکار می‌بردند، بجهت دلیل دولت مصدق در معامله با آنها سر بلز می‌زد این بررسی دو پاسخ دارد: یکی پاسخ رسمی، ولی غیرواقعی، یعنی بانه، و دیگری پاسخ واقعی، که هنوز هم هیچ مة رسمی دولت مصدق و اینکه مصلحت همان هوادار از مصدق حاضر به بیان آن نشده‌اند.

پاسخ رسمی دریا بانه عدم فروش نفت به کشورهای سوسیالیستی در آغاز کار آن بود که قانون طرز اجرای ملی شدن، راه معامله را مسدود کرده است. سخنگوی دولت می‌گفت: «صاف طوریکه پرسیده‌اید چرا درخواست های چک و لیستان قبول نشده، برای آنست که ماده ۷ راه را سد کرده است.» (۱۱) این ادعا البته بانه‌های پیش نبود، زیرا چکسلاواکی و لیستان از مشتریان سابق بودند و معمولاً ماده ۷ نمی‌شدند. بطور محدودیت این ماده بالاخره در ۱۶ آذرماه ۱۳۳۰ از میان رفت و دولت با انتشار یک آگهی رسمی و ارسال نامه‌های رسمی به سفارتخانه‌های مربوطه تشریح الاجل ده روزهای برای مشتریان سابق آن لاق شد و پس از آن

«حجت مخلط طی نامه‌های به نخست‌وزیر نوشت که ایران در فروش نفت بهر مشتری آزاد است.» (۱۲)

قاعده از آن پس سر بایست نفت را آزادانه به هر کشوری و از جمله کشورهای سوسیالیستی فروخت ولی نمایان حکومت مصدق حتی یک قطره هم نفت به این کشورها فروخت. شد. ملت چیست؟

- ۱۰- باختر امروز، ۲۵ اسفندماه ۱۳۳۰
- ۱۱- باختر امروز، ۱۴ آذر ۱۳۳۰، صاحب مطبوعات دکتر شمس
- ۱۲- باختر امروز، ۱۶ آذر ۱۳۳۰

در مقابل این بررسی منطقی، مقامات مسئول دولت مصدق سکوت کردند و تا پایان نیز سکوت خود را نشکستند. هنوز هم از طرف مقامات رسمی و رهبران جبهه ملی که آروزها مقام دولتی داشتند و دست‌اندرکار بودند و از واقعیت‌خبر داشتند، ملت حقیقی استعاج دولت مصدق از فروش نفت به کشورهای سوسیالیستی اعلام شده است. آری، آنها حاضر نشده‌اند واقعیت را بر مردم بگویند. در عوض محافل شدگوییست و دشمنان همگامی ایران و کشورهای سوسیالیستی با گستاخی تمام میدان‌داری میکنند و با ددوغ و تحریف میکوشند چنین وانمود سازند که گویا مصدق حاضر بفروش نفت بوده، ولی کشورهای سوسیالیستی حاضر به خرید نشده‌اند!

سپاهی محافل شدگوییست از زمان حکومت مصدق وجود داشت. آنها همان زمان اطمینان ددوغ جرایم آمریکا و سدهای آمریکا را از این جرم کرده و پنهان میکردند که گویا کشورهای سوسیالیستی گشتی نداشتند؛ و نمی‌توانند نفت بخرند. و این مطالب راطلوری مینوشتند که گویا نداشتن گشتی نداشتند جفرز محال که درست باشد - جرم ناپشتوبلی است و دلیل «مخالفت» کشورهای سوسیالیستی با جنبش ملی ایران است!

اما ددوغ اولاً نداشتن گشتی جرم نیست. لایا این مطلب از اصل ددوغ بود. کشورهای سوسیالیستی امکان داشتند که وسائل حمل و نقل نفت ایران را فراهم کنند. آنها همان وقت گشتی نداشتند بقدری که مقادیر قابل ملاحظه‌ای از نفت ایران را حمل کنند، داشتند و برای مقادیر بیشتر ممکن بود گشتی فراهم کرد. بملارو راه‌های دیگری برای حمل نفت وجود داشت. برای مقادیر کم و آغاز کار حتی از راه آهن میشد استفاده کرد و برای مقادیر بیشتر و هنگامی درازمدت، از لوله کشی نفت. آیزنهاور رئیس جمهور وقت آمریکا دست از همین می‌ترسید. ایندو در خطر افسر مینویسد:

«به آیزنهاور گفتم: روسها از منابع ایران نمی‌توانند استفاده کنند... گفت: کارهایمان به او گفته‌اند که از آبادان تا قفقاز در دوسه سال میتوان لوله نفت کشید.» (۱۳)

بنابراین ادعای اینکه عدم فروش نفت به کشورهای سوسیالیستی مربوط به فقدان وسائل حمل نفت بود، ادعای نادانستی است. در سالهای اخیر که زیر حمایت مارواکس‌پیدان سواستی شدگوییست فراختر شده بود، وابستگان به امریالیسم و مردمان جنبش ملی کار را به آجیا رسانیدند که ادعا کردند کشورهای سوسیالیستی همچنان داشتند: هم پول، هم گشتی، هم لوله‌ها، ولی مخصوصاً و صداهفت ایران را حتی به نصف قیمت هم نفرسیدند. ستاسفانه حتی پس از پیروزی انقلاب هم محافل

۱۳- از خاطرات ایران، ترجمه دهگان

و عناصر یعنی به این سیاست ادامه میدهند. بجه دلیل کشورهای سوسیالیستی بخودشان ضرر میزند و منتایران راه که آنچه مورد نیازشان بود، نمیخریدند بجه دلیل نمیخواستند در شرایط دشوار پس از جنگ که زیر فشار نومی محاصره اقتصادی از جانب کشورهای امریالیستی قرار داشتند، در جبهه همین کشندهای مانند نفت محاصره را بشکنند پس شوری دآبهای گرم، کجا رفت؟

طبیعی است که برای این ادعای مسخره، حتی شدهایی هم نمیتوان یافت. آنچه دستاویز محافل ضد کمونیستی قرار گرفته، اظهاراتی است که چند مرد و زنان جنبش په صفی رومانی، نصیحت داده و نوشته اند که گویا سفیر رومانی به آیتالله کاشانی گفته است که: «کشورهای سوسیالیستی نیازی به نفت ندارند، زیرا خود به اندازه کافی نفت دارند» کسانی که آماده پذیرش و انتشار تبلیغات ضد کشورهای سوسیالیستی و خرابکاری در مناسبات ایران و این کشورها هستند، این ددوغ و نظریه و حتی سیاست و شی خود را روی آن بنا کرده اند، ولی از خود نهرسیده اند که اولاً به سفیر رومانی چه مربوط بود که از طرف سایر کشورهای سوسیالیستی اظهار نظر کند؛ مگر کاشانی مقام مسئول وزارت اقتصاد و یا نخست وزیر بود که کشورهای سوسیالیستی لازم دیدند امتناع خود را از خرید نفت فقط، به او خبر دهند؟ و سفیر رومانی چگونه میتواند ددوغ این بزرگی بگوید که «کشورهای سوسیالیستی به اندازه کافی نفت دارند» در حالیکه بجز شوروی و رومانی سایر کشورهای سوسیالیستی یک قطره هم نفت ندارند؟ هر انسان جوینده حقیقت موظف بود که این پرسشها و نظایر آنرا برای خود مطرح کند و دنبال حقیقت برود. ولی محافل آماده پذیرش سم ضد کمونیستی دنبال حقیقت فرقتند و هنوز هم از قول سفیر رومانی چه چیزها که مینویسند، بهینیم حقیقت چیست؟ حقیقت اینست که این ادعاهای سرفظا ددوغ است. وزیر مختار رومانی ماوریتی برای ابلاغ امتناع کشورهای سوسیالیستی از خرید نفت ندا: ته و ضمن صحبت عادی با کاشانی بر خلاف آنچه میگویند از خرید نفت امتناع نکرده بلکه پشتیبانی دولت رومانی را از جنبش ملی ایران اعلام و از ملی شدن نفت ایران دفاع کرده و آمادگی دولت تبوع خود و کشورهای سوسیالیستی را به همکاری با ایران در عرصه نفت ابراز داشته است. برای اینکه چهره زشت مردمانی که لاشخورهای ضد کمونیست را با تلاش شبانه روزی خود تغذیه میکنند و در پیشهای آنان چراغ نگاه میدارند، بهتر آتشله شود، ما عین خبری را که در این باره روزنامه های تهران منتشر کرده اند باوجود طولانی بودن آن، می آوریم:

موضوع از اینجا آغاز میشود که از رومانی

وزیر مختار جدیدی به ایران می آید و برای آشنائی با مقامات ایرانی و ابراز مراتب دوستی و مودت بدیدار صدق، وزیر خارجه و سایر مقامات و از جمله بدیدار آیتالله کاشانی میرود. در این ملاقات وزیر مختار و کاشانی با هم صحبت میکنند. اصلایه رسمی و یا غیررسمی از این صحبت و مطالبی که گفته شده، منتشر نمیشود. خبرنگاری بغدادی از صحبت بر داشته، که طبعاً جملات و کلمات آن دقیق نیست، ولی موضوع و نظر وزیر مختار رومانی در آن بهر صورت روشن است.

روزنامه گیبان یادداشت های غیرمکار می. ان. به. را از این صحبت بشرح زیر آورده است:

وزیر مختار عقب ماندگی ایران را از نفوذ امریالیسم دانست. حضرت آیتالله گفت امریالیسم ریشه کن خواهد شد.

وزیر مختار گفت: اطمینان میدهم ملت رومانی در همه حال دوست و پشتیبان ایران میباشد. من یقین دارم که ایران در صورت ادامه مبارزات با ما آغاز کرده، توفیق کامل خواهد یافت. حضرت آیتالله پرسیدند: نفت رومانی اکنون در چه حال است؟

وزیر مختار گفت: از پایان جنگ به اینطرف مقداری تولید کم شده بود، ولی چهار سال است که روبه ترقی است. اکنون سال ۷ میلیون تن است. و تمام آن، بر خلاف سابق، متعلق به خود ملت است.

امریالیستها میگفتند رومانی نمی تواند نفت خود را اداره کند، اما ملت ما نشان داده است که اینطور نیست.

آیتالله کاشانی گفت: ملت ایران نیز همین وضع را داشته و حالا نفت را ملی کرده است. ما خواهیم توانست بخوبی اداره کنیم.

وزیر مختار گفت: ملت ایران باید مراتب دسیسه های امریالیستها باشد.

آیتالله گفت: مطمئن باشید. ملت ما هواره بیدار است. با اینکه امریکالیا با سیاست انگلیسیها پشتیبانی میکنند، ما موفق خواهیم شد.

وزیر مختار گفت: بیروزی نمایی با مردمی است که در راه حقیقت مبارزه کنند. اینها مردم ملت ایران راهی را که در پیش گرفته ادامه دهد و بحفظ منافع خویش موفق گردد.

آیتالله فرمودند: ما کاملاً بیامیزیم. توأم فقط چهار روز سرکار ماند.

وزیر مختار گفت: ما هم از دور
ناظر و از سقوط قوام خوشحال شدیم.
بشما اطمینان میدهم که ملت رومانی از
موفقت ملت ایران همیشه خوشحال خواهد
شد.

در اینموقع فروش نفت به بلوک شرق
مطرح شد.

آیتالله گفت: گویا اظهار شده
که ایران با فروش نفت به بلوک شرق
مخالف است.

در صورتیکه چنین نیست. ما اعلان
دادیم که نفت خود را میفروشیم و ولی
باوجود این کسی از بلوک شرق نیامد.
وزیر مختار گفت: من گمان نمی-

کنم چون بلوک شرق، بخصوص شوروی،
بمقدار زیاد نفت دارد، اقدامی نکرده
است. والا دولت شوروی هم طرفدار
میلزده مردم ایران است. من تصور
میکنم که از بلوک شرق هم پیشنهادهایی
رسیده بود.

آیتالله گفت: ما هم گفته-ایم
حاضریم.

وزیر مختار: ایران با کشورهای
شرقی روابط تجاری دارد.

آیتالله: البته روابط تجاری هست،
ولی ما میگوییم نفت بفروشد.

وزیر مختار گفت: البته از منظر
نیمتوان شروع کرد. با بسط بازرگانی
مسئله نفت هم حل خواهد شد.

آیتالله: نیز آنان (منظور محافل
امپریالیستی است) به نفت ایران پیش
تر نیز ما به پول آنهاست.

وزیر مختار: شما مطمئن باشید که
دولت‌های غربی هرگز به دولت‌های ضعیف
کمک مالی نمی‌کنند. در صورتیکه دولتی
شرقی همیشه حاضر به همکاری هستند.

در این موقع سفیر آمریکا وارد
شد و وزیر مختار رومانی برافشا از کنار او
گذشت... (۱۴)

چنین است متن خبری که یک خبرنگار
خارجی یادداشت کرده و ترجمه آن در مطبوعات
ایران درج شده است.

هر خواننده بی‌غرضی از خواندن این
خبر درک میکند که وزیر مختار رومانی در این
دیدار روی همکاری و پشتیبانی تاکید میکرده،
از امکان ملی شدن نفت سخن می‌گفته و در
مورد خرید نفت نیز اظهار میکرده است که
پیشنهاد مالی داده شده... روابط بازرگانی
هست... با بسط بازرگانی مسئله نفت هم حل
خواهد شد... همیشه حاضر به همکاری هستیم
...»

خلاصه اینکه قرارداد بازرگانی هست،
پیشنهاد هست، اما اجرا نمیشود. با بسط
بازرگانی امید است مسئله حل شود.

تردیدی نیست که وزیر مختار رومانی
کمترین حرفی درباره «استتاع» کشورهای
سوسیالیستی از خرید نفت ایران نکرده و جمله‌ای
هم که مورد استناد ضد گولبستی‌های حرفه‌ای
است، بی‌چوجه آن‌ها را نمی‌دهد. در بدترین
حالت آنچه نوشته شده «به این معناست که
از میان کشورهای سوسیالیستی اتحاد شوروی
چون نفت دارد، تقاضای خرید نکرده است.
در واقع نیز اتحاد شوروی در آن روزها نه
بخاطر اینکه نفت داشت یا نداشت، بلکه
بخاطر اینکه جزء مشتریان سابق نفت ایران
نبود و اگر یک جانبه با پیش میگذاشت مصدق
را در وضع دشواری قرار میداد، علاقندانی
خود را به فروش نفت ایران از طرفی نشان
دادند که مصدق را پیش از آن که بود، زیر فشار
امپریالیست‌ها نگذازد و بهانه به جناب‌الکران
ندهد که «ایرانی، شوروی به آبهای گرم
رسیده. ولی چنانکه وزیر مختار رومانی نیز
گفته، اتحاد شوروی همیشه حاضر به کمک
بوده است.

و اما علت واقعی اینکه مصدق جرات
نکرد نفت به کشورهای سوسیالیستی بفروشد،
فشار مزدی بود که از طرف ارتجاع و امپریالیسم
در داخل و خارج به او وارد میشد و تمهیدی بود
که در قبال آمریکا داشت.

مصدق تا پایان حکومت خود نتوانست
بر فشار نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی فائق
آید.

بلافاصله پس از آن که موضوع لغو
محدودیت ماده ۷ قانون اجرای ملی شدن و
فروش آزادانه نفت مطرح شده صدای آمریکا
ببخات آشکار و تهدید دولت مصدق آغاز
کرد و اعلام داشت:

«فروش نفت به شوروی باعث تشدید
نفوذ آن دولت در ایران خواهد شد.» (۱۵)
عامل دربار و امپریالیسم نیز در مجلس به
صدای درآمدند. تیمورلش وکیل مجلس گفت:

«ما به ۷ شان نزول داشت. خوب
بود دکتر مصدق از روز اول میگفت که
میخواهد به گولبیس نزدیک شود.
دکتر مصدق نباید به شوروی نفت
بفروشد. ما باید سپر طبیعی خودمان،
یعنی دهن نفت به انگلستان را ادامه
دهیم.» (۱۶)

۱۵- بختر امروز، ۱۸ آذر ۱۳۳۰

۱۶- بختر امروز، ۱۶ آذر ۱۳۳۰

۱۴- کیهان، ۲۹ مرداد ۱۳۳۱
(تکیه بر مضمون)

از این نامه رسمی آشکارا میتوان دید که
اولاً در آغاز سال ۳۲ هجری دولت مصدق با گذاشتن
وزارت خارجه آمریکا درباره جلوگیری از
صدور مواد ممنوعه شوروی و کشور های
سوسیالیستی دریافت میکرده . ثانیاً وزارت خارجه
آمریکا به قانون امنیت متقابل ، که دولت
ایران متعهد به اجرای آن بوده ، استناد می
کرده . ثالثاً وزات اقتصاد ایران موظف بوده
است که جلو صدور اینگونه کالاها را بگیرد و
از اینکه در قراردادهای تباری با کشورهای
سوسیالیستی برخی کالاها درج شده و لسی
علا روی آن معامله شده - تمسخر است و
میگوید از این پس حتی از درج آنها جلو
گیری خواهد شد . رابعاً نقل مقداری آهن
قرانیه به شوروی صادر شده ، که ادامه آن
طبق تصویب نامه قذف شده است .

لحن نامه و بکار بردن کلماتی نظیر
«کشورهای دست نشانده شوروی» در مورد کشور-
های سوسیالیستی ، نشانهای است از جوی ک-
آرروز در دستگاه حکومتی ایران حاکم بوده
است .

از این نامه به روشنی دیده میشود که
درج نفت در لیست کالاهای صادراتی ایران
به کشورهای سوسیالیستی هنوز بیچون و چاهمانی
آبادگی واقعی برای فروش نفت نبوده و در این
زمینه صدور تصویب نامه جداگانه هیئت وزیران
در کمیسیون نفت و غیره لازم بوده و اشاره
یاد شده در صفحات پیش از وزیر اقتصادم
در این باره که نباید قرارداد جداگانه ای بسا
کمیسیون نفت به بنفشه ، سایر به این امر
است .

در خلاصه به یک سند از منابع شوروی اشاره
می کنیم . استیووی «اقتصاد جهانی و مناسبات
بین المللی» اتحاد شوروی ، که از معتبرترین
مراجع اتحاد شوروی است ، در کتابی که برای
تحلیل اوضاع بین المللی پس از جنگ منتشر
گرفته ، تصریح میکند که قراردادهای برای
فروش نفت به کشورهای سوسیالیستی وجود
داشته (همان چیزی که در نامه وزرات اقتصاد
هم به آن اشاره شده) ولی دولت مصدق ،
بر اثر تهدید آمریکا ، از اجرای آن سربازده
است. (۲۰)

چنین بود اجرای فروش نفت به کشور-
های سوسیالیستی ، که ضمیمه مائد و اقتصاد ملی
ایران ، بیای امکان به نفت ملی شده ، علاوه
«اقتصاد بدون نفت» بدل شد . با اینحال لازم
است تأکید کنیم که کشورهای سوسیالیستی ،

۴۰- مناسبات بین المللی پس از
جنگ دوام جهانی ، چاپ مسکو ،
جلد دوم ، ص ۱۶۸

علیرغم این روش نادرست دولت مصدق ، برای
اینکه اقتصاد ملی ایران در قبال فشار محافل
امریالیستی پایداری کند ، از هیچگونه کمکی
که مقبول بود دریغ نکردند . در زمان مصدق
بخش اعظم کالاهای مورد نیاز عموم و کالاهای
ضروری صنعتی از کشورهای سوسیالیستی وارد
ایران میشد .

د دولت آمریکا هرگز حاضر نشد که
حتی نقد و شکر مورد نیاز کشور را به
اقساط یا در مقابل قبول مواد صادراتی
ایران تحویل نماید . یا آنکه بر اساس
اعتبار نفت گسترین مساعدت مالی بصورت
قرض به ایران بکنده. (۲۱)

درست در این زمان که آمریکا - دوست
بزرگ ایرانان - حتی نقد و شکر به ایران
نمیگفت ، بزرگان ایران با کشورهای سوسیالیستی
گسترش یافت و آنها ، علیرغم محدودیت های
که از جانب ایران فراهم می آمد ، از ایام
هیچگونه کمکی فروگذار نکردند . نمودار

بزرگان ایران ، شوروی و ایران و آمریکا
از زمان فرار رضا شاه تا کودتای ۲۸ مرداد
زیر چاپ شده است ، چنانکه در این نمودار
می بینیم ، مناسبات بزرگانی خارجی ایران هم
با ادوار جنبش انقلابی ایران مربوط است .
هر بار که جنبش رهایی بخش و دم کراتیک
ایران اوج گرفته ، مناسبات بزرگانی ایران و
شوروی نیز بسود مردم ایران گسترش یافته ،
و بالعکس ، هر بار که جنبش فروکنش کرده ،
سپل زهناپار کالاهای آمریکایی به بزرگان ایران
ریخته است . اوج مناسبات سالم بزرگان ایران
و شوروی صادق است با اوج نهفت در سال
۱۳۲۵ و سالهای ۱۳۳۰ - ۱۳۳۲ ، و بالعکس ،
اوج مناسبات ایران و آمریکا صادق است با
سالهای شکست نهفت . بزرگترین رقیب و رقیب
از آمریکا صاف است با سال مظهر کاتولی
شدن حزب توده ایران !

از همین نمودار روشن است که هر قدر
که مصدق گوشید ، توفیق میان صادرات و
واردات کشور وجود آورد ، همواره فروش آمریکا به
ایران بیش از خرید بزرگان بود . و در دوسه
حکومت مصدق ۱۸۰۰ میلیون ریال (پول)
۵۹ میلیون دلار) کسری بزرگانی ایران و آمریکا

۴۱- نشریه شماره ۱۸ حزب ایران ،
خرداد ۱۳۳۳ (در آزمون هنوز برخی
از مسئولین حزب ایران هرگز
اندوست بزرگ خود را نمیکردند
و آرا به مراتب نامناسبه دعوت
میکردند .)

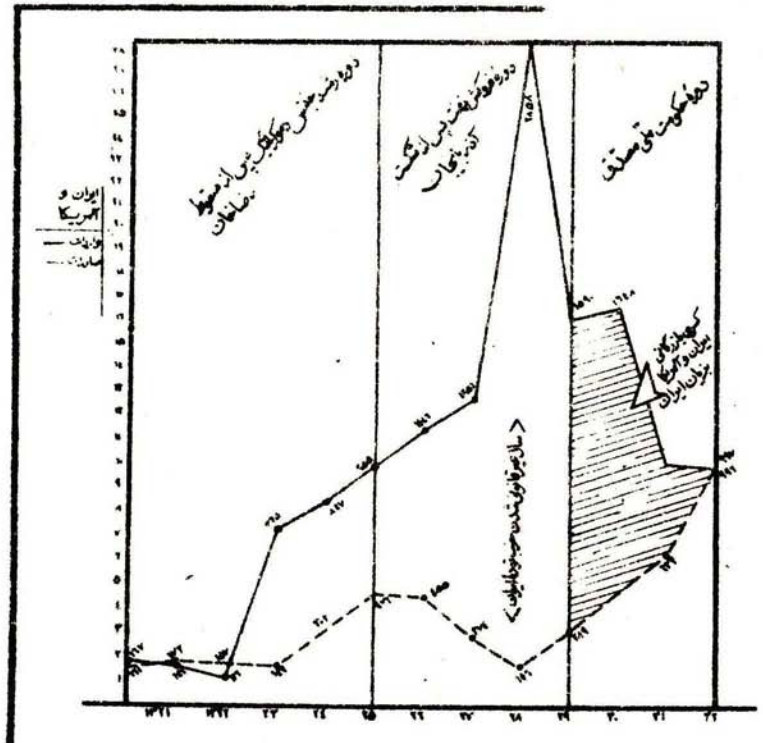


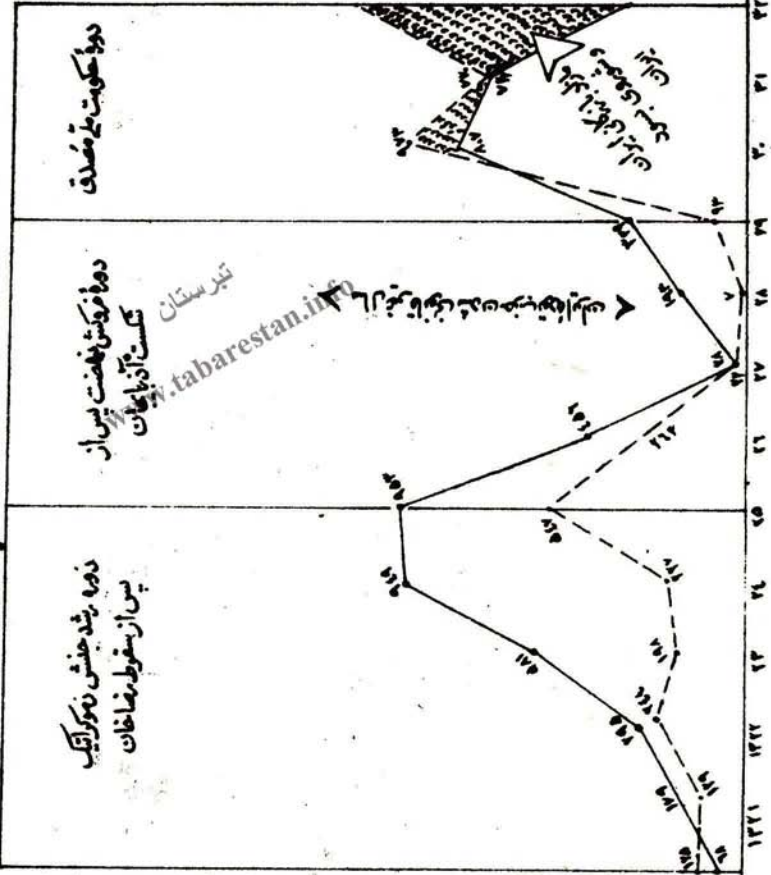
بود . که چند برابر دکنه انژی امریکا به ایران است . ولی اتحاد شوروی بلافاصله به استقبال خواست دولت مصدق رفت و در همان نخستین سال حکومت مصدق آلتد بر خریدش از بقره ایران افزود ، که نولت نمایر بسود ایران بهم خورد . در سال ۳۳ ، صادرات ایران به شوروی ۷۹۹ میلیون ریال پرواردهات شوروی فرولی داشت .

قابل ذکر است که همه ساله ای که از شوروی به ایران وارد میشد ، ایلا درجه اول اقتصاد ملی بود و که کلای توکس .

مردم شماره ۱۷۷

استان
www.taban





ایران و
 اتحاد شوروی
 ولایت
 صابرات